



۰۷ جولای، ۲۰۲۵

احمد فواد ارسلان

رأی گیری سازمان ملل درباره افغانستان: آینه ای از تجدید مواضع جهانی



در تاریخ ۷ جولای ۲۰۲۵، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطع نامه ای را تصویب کرد که از طالبان می خواهد سیاست های سرکوب گرانه اش را متوقف ساخته و به حقوق بشر، بخصوص حقوق زنان و اقلیت ها، احترام بگذارد. از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، ۱۱۶ کشور به این قطع نامه رأی موافق دادند، ۱۲ کشور رأی ممتنع، و تنها دو کشور — ایالات متحده امریکا و اسرائیل — رأی مخالف دادند. ۶۳ کشور باقی مانده یا در رأی گیری غایب بودند یا اصلاً رأی ندادند.

در ظاهر، این قطع نامه ادامه محکومیت همیشگی جامعه بین المللی علیه حکومت طالبان را نشان می دهد. اما مطالعه دقیق تر، بخصوص در مقایسه با رأی گیری های قبلی سازمان ملل، تغییر بزرگی را آشکار می سازد: طالبان دیگر صرفاً به عنوان یک گروه شورشی منزوی یا یک قدرت نامشروع دیده نمی شوند. آنان هرچند با کراهت به عنوان حکومت دفاکتوی یک کشور ستراتیژیک مورد شناسایی قرار گرفته اند. و در میان بحران های روز افزون جهانی امروز، ثبات داخلی افغانستان تحت حاکمیت طالبان برای بسیاری از کشورها مهم تر از پایبندی به اصول ایدئولوژیک شده است.

کاهش اجماع با گذشت زمان:

- در دسامبر ۲۰۲۱، قطع‌نامه‌ای در مورد افغانستان با ۱۳۰ رأی موافق، ۰ مخالف و ۳۰ رأی ممتنع تصویب شد.
- در دسامبر ۲۰۲۲، قطع‌نامه مشابهی ۱۲۱ رأی موافق، ۱۰ مخالف، و ۳۶ ممتنع داشت.
- تا جولای ۲۰۲۵، آرای موافق به ۱۱۶ کاهش یافته و تعداد ممتنعان و غایبان به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

این جریان تنها نشان‌دهنده خستگی دیپلماتیک نیست، بلکه بیانگر ناراحتی روز افزون بسیاری از کشورها از اتخاذ موضع گیری اخلاقی بدون داشتن انتخاب واقعی سیاست گذاری است. کشورهایی که پیش تر در صف مقدم مخالفت با مشروعیت طالبان قرار داشتند، اکنون با توجه به منافع منطقه ای در حال تجدید نظر در موضع خود هستند.

چرا این تغییر مهم است — در بستر منازعه جهانی:

رأی‌گیری سال ۲۰۲۵ را نمی‌توان به‌صورت مجزا تحلیل کرد. این تصمیم باید در زمینه جهانی پر آشوب امروز درک شود:

- جنگ هند و پاکستان که از تصادمات در کشمیر آغاز شد، به یک منازعه خونین با نگرانی‌های منطقه‌ای و جهانی بدل شده است.
- جنگ ایران و اسرائیل شرق میانه را بی ثبات کرده، بازارهای مواد سوخت جهانی را تهدید کرده و شکاف های فرقه ای را تشدید نموده است.
- جنگ روسیه و یوکرین که وارد چهارمین سال خود شده، بلاک های قدرت جهانی را سخت تر و منابع دیپلماتیک را در سراسر اروپا و فراتر از آن مصرف کرده است.
- در میان این هرج و مرج، افغانستان، نه به دلیل پیشرفت، بلکه به دلیل کنترل، متمایز است. تسلط محکم طالبان بر کشور، موفقیت آن‌ها در سرکوب داعش خراسان و سایر گروه های شورشی، و توانایی شان در حفظ نوعی نظم حکومتی (هرچند استبدادی و انحصاری) وضعیتی از نظم را به وجود آورده که نمی توان آن را در محاسبات واقع گرایانه نادیده گرفت.

تجدید نظر جیوپولیتیک:

۱۲ رأی ممتنع در این رأی‌گیری شامل هند، چین، روسیه، ایران، پاکستان، و نماینده منصوب دولت پیشین افغانستان در سازمان ملل بود. هر یک از این رأی‌های ممتنع نشان‌دهنده از یک تجدید محاسبه است:

- هند که مشغول منازعه‌ای در دو جبهه با پاکستان و چین است، در حال اداره کردن محاسبات دیپلماتیک خود بوده و تصمیم انتخاب پالیسی خود را در کابل باز نگه داشته است.

- ایران که مشغول جنگی ویرانگر با اسرائیل است، می خواهد مرز شرقی خود را آرام و از نفوذ شورشیان سنی پاک نگه دارد.
- چین افغانستان را هم تهدید امنیتی بالقوه می داند و هم به عنوان یک حلقه کلیدی در ابتکار کمربند و راه، سرشار از معادن لیتیم و عناصر نادر معدنی حساب میکند.
- روسیه که در جنگ با غرب در اوکراین است، افغانستان را وزنه ای در برابر حضور ناتو و شریک استخباراتی منطقه یی می بیند.
- پاکستان که روابط پیچیده و عمیقی با طالبان دارد، باید تهدید های ناشی از بلند پروازی ستراتیژیک و عکس العمل های داخلی از سوی تحریک طالبان پاکستان (TTP) را اداره کند. حتی در میان کشورهایی که رأی «مثبت» دادند، بسیاری بیانییه هایی محتاطانه و با حمایت مشروط صادر کردند، که نشان می دهد بسیاری از دولت ها اکنون تعامل با طالبان را نه به عنوان پرسش «آیا»، بلکه «چه زمانی» می بینند.

مشروعیت از مسیر بقا:

این قطع نامه، هرچند در ظاهر بر محور حقوق زنان و معیارهای حقوق بشری بنا شده، در حقیقت بیانگر تردیدهای ستراتیژیک روز افزون است. در محافل دیپلماتیک، مشروعیت دیگر با معیارهای خیالی و آرزوها سنجیده نمی شود، بلکه با کنترل، دوام، و ارزش جیوپولیتیک اندازه گیری می گردد. طالبان نزدیک به چهار سال بدون شناسایی رسمی و بدون کمک های قابل توجه دوام آورده اند، اما همچنان در حال حکومت داری، تأمین امنیت، اخذ مالیات، و مذاکره هستند. واقعیت اینکه ۶۳ کشور اصلاً رأی ندادند، یعنی یک سوم اعضای سازمان ملل، خود یک پیام دیپلماتیک است. این یا بیانگر بی تفاوتی است، یا حمایت پنهانی، یا موضع بی طرفی ستراتیژیک، و همه این ها نشان می دهد که دوران انزوای کامل طالبان رو به پایان است.

نتیجه گیری: معادله جدید افغانستان:

رأی گیری سازمان ملل در سال ۲۰۲۵ صرفاً محکومیتی علیه طالبان نبود، بلکه برخوردی با واقعیت بود. در جهانی که از جنگ، بی ثباتی، و عقب نشینی قدرت های غربی رنج می برد، افغانستان بار دیگر به یک نقطه محوری ستراتیژیک تبدیل شده است، نه علی الرغم طالبان، بلکه به دلیل بقای آنان. در حالی که قدرت های غربی هنوز از ارزش ها و معیار های سخن می گویند، بیشتر جهان اکنون به زبان دیگری سخن می گوید، زبان واقع گرایی سیاسی. (realpolitik) و در این زبان، طالبان دیگر ناپیدا نیستند. آن ها غیرقابل چشم پوشی